

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی

جایگاه خشونت در حقوق کیفری

محمدعلی طاهری بجد

استاد راهنما:

دکتر محمد جعفر حبیب زاده

اساتید مشاور:

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

دکتر جعفر کوشا

۴۹۸۶

پاییز ۱۳۸۱

سازمان اطلاعات وزارت اطلاعات
تعمیرات

۱۰ / ۱۲ / ۱۳۸۱

تاییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضاء هیئت داوران نسخه نهایی رساله آقای محمد علی طاهری بجد

تحت عنوان: جایگاه خشونت در حقوق کیفری

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می‌کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضا هیئت داوران
	دانشیار	دکتر محمدجعفر حبیب زاده	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر جعفر کوشا	۳- استاد مشاور
	استاد	دکتر سید مصطفی محقق داماد	۴- استاد ناظر
	استادیار	دکتر محمود آخوندی	۵- استاد ناظر
	استاد	دکتر ایرج گلدوزیان	۶- استاد ناظر
	استادیار	دکتر سیدمحمد قاری سید فاطمی	۷- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی	۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله‌ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز نشر دانشگاهی اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی است که در

سال ۱۳۸۱ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده و مشاوره

جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ایرندآبادی و دکتر جعفر کوشا از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های تشریفات دانشگاه تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به

مرکز نشر دانشگاه اهدا کند دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأديه

کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از

طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه،

معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمد علی طاهری بجد دانشجوی رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت

اجرائی آن را قبول کرده به آن ملتزم می‌شوم.

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
توسعه مدارک

تقدیم به:

همه کسانی که در راه رضای خدا
و سعادت انسانها گام بر می‌دارند.

تقدیر و تشکر:

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

پس از حمد و ستایش ذات باری تعالی، بر خود لازم می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌ها و

مشورتهای بی‌دریغ استادان محترم راهنما و مشاور جنابان آقایان:

۱- دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده (استاد راهنما)

۲- دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی (استاد مشاور)

۳- دکتر جعفر کوشا (استاد مشاور)

که حداکثر مساعی خود را مبذول داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

محمدعلی طاهری

چکیده

خشونت پدیده‌ای با ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، جرم‌شناسی و ... است و به همین علت تعاریف متعدد و متفاوتی از آن ارائه گردیده است. این پدیده در حقوق کیفری از دو جهت قابل بررسی است؛ از یک طرف افراد، خود در مقابل هم یا در برابر دولت به خشونت می‌توسل می‌شوند، از طرف دیگر عملکرد نهادهای وابسته به قدرت رسمی یعنی دولت در معنای عام نیز ممکن است منجر به خشونت علیه افراد جامعه گردد. خشونت نخست که از آن به خشونت رفتاری تعبیر می‌شود، اگر به شکل پدیده مجرمانه (جرم) بروز کند، واکنش قانونی دولت را در پی خواهد داشت. این واکنش که باید نوع و حدود آن از پیش توسط مقام صلاحیتدار مشخص گردد، تابع اصول و قواعدی است که غفلت از هر کدام از آنها، در مراحل مختلف قانونگذاری، قضایی و اجرایی ممکن است به خشونت علیه افراد جامعه (خشونت نوع دوم) منجر شود.

خشونت نوع دوم که با تجاوز به حقوق اساسی افراد توسط قانونگذار و مجریان قانون صورت می‌گیرد «خشونت ساختاری یا نهادی» نام دارد.

خشونت اخیر خشونتی پنهانی است که اغلب از عملکرد نادرست نظام عدالت کیفری و عدول از اصول اساسی حقوق کیفری در پاسخگویی به خشونت نخست (خشونت رفتاری مجرمانه) ناشی می‌شود. در این رساله ابتدا تعریف و تبیین اصطلاحی و حقوقی خشونت و انواع و جنبه‌های گوناگون آن در حقوق کیفری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سپس تعامل خشونت با حقوق کیفری بطور کلی و تعامل خشونت با جرم و مجازات بطور اخص بررسی شده است. در ادامه جنبه‌های احتمالی خشونت ساختاری در حقوق کیفری ایران با معیار قرار دادن رعایت اسناد حقوق بشر و اصول اساسی حقوق کیفری بیان شده و راهکارهای مناسبی در جهت رفع این نوع خشونت از نظام عدالت کیفری پیشنهاد گردیده است.

کلید واژه‌ها: خشونت، حقوق کیفری، خشونت ساختاری، جرم و خشونت، مجازات و خشونت، حقوق بشر و خشونت، آیین دادرسی کیفری و خشونت.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	پیشگفتار.....
۳	مقدمه.....
۸	۱- تبیین خشونت و تعامل آن با حقوق کیفری
۹	۱-۱- تبیین خشونت.....
۹	۱-۱-۱- معنا و مفهوم خشونت.....
۹	۱-۱-۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی خشونت.....
۱۴	۱-۱-۱-۲- مفهوم خشونت از دیدگاه صاحب نظران علوم مختلف.....
۲۱	۱-۱-۲- تبیین خشونت در حقوق کیفری و تعریف آن.....
۲۴	۱-۲-۱- ممنوع بودن خشونت.....
۳۲	۱-۲-۱-۲- رهیافت حقوق کیفری به خشونت.....
۳۳	۱-۲-۲-۱- اصل عدم تعدی.....
۳۸	۱-۲-۲-۱-۱- تعریف خشونت در حقوق کیفری و نتایج آن.....
۴۵	۱-۲-۳- خشونت در اسناد حقوق بشر.....
۵۴	۱-۳- انواع خشونت.....
۵۴	۱-۳-۱- خشونت شخصی (رفتاری) و خشونت ساختاری.....
۵۸	۱-۳-۲- خشونت قانونی و خشونت غیرقانونی.....
۶۱	۱-۳-۳- خشونت مشروع و خشونت غیر مشروع.....
۶۵	۱-۳-۴- خشونت مجرمانه، انضباطی و خشونت غیر مجرمانه.....
۶۹	۱-۳-۵- خشونت فیزیکی و فرافیزیکی.....
۷۰	۱-۳-۶- سایر عناوین خشونت.....
۷۲	۲- تعامل خشونت با حقوق کیفری
۷۶	۲-۱- تعامل خشونت با جرم.....

- ۱-۱-۲-۱- خشونت محدود به جرم نیست..... ۷۷
- ۲-۱-۲-۱- هر جرمی خشونت نیست..... ۸۲
- ۲-۲-۱- تعامل خشونت با مجازات..... ۸۶
- ۱-۲-۲-۱- مجازات، خشونت است..... ۸۷
- ۲-۲-۲-۱- مشروعیت مجازات در سایه رعایت اصول حاکم بر آن..... ۹۲
- ۲- خشونت در سایه نقض اصول ماهوی کیفری..... ۹۷
- ۱-۲- خشونت در سایه نقض اصول ناظر بر وضع قوانین کیفری..... ۹۹
- ۱-۱-۲- اصل قانونی بودن جرم و مجازات..... ۱۰۱
- ۱-۱-۱-۲- منزلت فقهی و قانونی..... ۱۰۵
- ۲-۱-۱-۲- موارد نقض..... ۱۱۰
- ۲-۱-۲- اصل وحدت مرجع قانونگذاری..... ۱۱۵
- ۱-۲-۱-۲- تحلیل اصل..... ۱۱۵
- ۲-۲-۱-۲- موارد نقض..... ۱۱۷
- ۳-۱-۲- اصل کیفی بودن قانون..... ۱۲۲
- ۱-۳-۱-۲- تحلیل اصل..... ۱۲۲
- ۲-۳-۱-۲- موارد نقض..... ۱۲۴
- ۴-۱-۲- تورم قوانین کیفری..... ۱۳۰
- ۵-۱-۲- افراط در جرم انگاری..... ۱۳۵
- ۲-۲- خشونت در سایه نقض اصول ناظر بر واکنشهای کیفری..... ۱۴۰
- ۱-۲-۲- تفکیک اندیشه‌های کیفری از جهت عنصر خشونت..... ۱۴۱
- ۱-۱-۲-۲- اندیشه خشونت مداری یا دوره جرم مداری..... ۱۴۲
- ۲-۱-۲-۲- اندیشه تعدیل خشونت یا دوره مجرم مداری..... ۱۴۴
- ۳-۱-۲-۲- اندیشه نفی مطلق خشونت یا مجرم مداری افراطی..... ۱۴۹
- ۲-۲-۲- واکنشهای کیفری در حقوق ایران و تعامل آن با خشونت..... ۱۵۲

- ۱۵۳ ۲-۲-۱- بررسی و تحلیل مجازات
- ۱۵۴ ۲-۲-۱-۱- تعریف مجازات
- ۱۵۵ ۲-۲-۱-۲- اهداف و نقش‌های مجازات
- ۱۵۵ ۲-۲-۱-۲-۱- نقش یا کارکرد اصلاحی
- ۱۶۰ ۲-۲-۱-۲-۲- نقش اربابی
- ۱۶۱ ۲-۲-۱-۲-۳- نقش سزادهی
- ۱۶۳ ۲-۲-۲- بررسی و تحلیل اقدامات تأمینی
- ۱۶۴ ۲-۲-۲-۱- تعریف اقدامات تأمینی
- ۱۶۷ ۲-۲-۲-۲- نقش اقدامات تأمینی در کاهش خشونت
- ۱۶۸ ۲-۲-۳- اصول ناظر بر واکنش‌های کیفری و تأثیر آن بر کاهش خشونت
- ۱۶۹ ۲-۲-۳-۱- اصل رعایت کرامت انسانی
- ۱۷۴ ۲-۲-۳-۲- اصل شخصی بودن
- ۱۷۹ ۲-۲-۳-۳- اصل فردی بودن
- ۱۸۱ ۲-۲-۳-۳-۱- فردی کردن تقنینی
- ۱۸۲ ۲-۲-۳-۳-۲- فردی کردن قضایی
- ۱۸۵ ۲-۲-۳-۳-۳- فردی کردن اجرایی
- ۱۸۶ ۲-۲-۳-۴- اصل تساوی مجازات‌ها
- ۱۹۱ ۳- **خشونت در سایه نقض اصول شکلی کیفری**
- ۱۹۲ ۳-۱- اصل لزوم دادرسی کیفری و تعامل روش‌های مختلف آن با خشونت
- ۱۹۴ ۳-۱-۱- اصل لزوم دادرسی کیفری و موارد عدول از آن
- ۱۹۷ ۳-۱-۱-۱- قتل زن به وسیله شوهر
- ۲۰۰ ۳-۱-۱-۲- قتل مهدور الدم
- ۲۰۶ ۳-۱-۱-۳- تعیین کیفر توسط فرماندهان نظامی
- ۲۱۰ ۳-۱-۱-۴- رسیدگی قوه مجریه به امور تعزیرات حکومتی

۲۱۴	۳-۱-۱-۵- رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی توسط پلیس
۲۱۷	۳-۱-۱-۶- رسیدگی به امور قاچاق کالا و تعیین جریمه توسط مأموران گمرک
۲۱۹	۳-۱-۲- روش‌های دادرسی کیفری و تعامل آن با خشونت
۲۲۰	۳-۱-۲-۱- روش (سیستم) اتهامی
۲۲۲	۳-۱-۲-۲- روش (سیستم) تفتیشی
۲۲۵	۳-۱-۲-۳- روش (سیستم) مختلط
۲۲۹	۳-۲- حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه و اصول ضامن آن در تعامل با خشونت
۲۳۱	۳-۲-۱- حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه و تعامل آن با خشونت
۲۳۳	۳-۱-۲-۱- تعریف حق دادخواهی و حق دفاع
۲۳۳	۳-۱-۲-۱-۱- حق دادخواهی
	۳-۱-۲-۱-۲- حق دفاع ۲۳۴
۲۳۵	۳-۱-۲-۲- مستندات حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه
۲۴۰	۳-۲-۲- اصول ضامن حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه و تعامل آن با خشونت
۲۴۲	۳-۲-۱- استقلال قوه قضاییه و قضات
۲۴۸	۳-۲-۲-۲- رعایت حقوق متهم
۲۴۹	۳-۲-۲-۲-۱- اصل براءت
۲۵۷	۳-۲-۲-۲-۲- ممنوع بودن شکنجه
۲۶۴	۳-۲-۲-۲-۳- حق انتخاب وکیل
۲۶۸	۳-۲-۲-۳- رعایت حقوق بزه دیده از جرم
۲۷۳	۳-۲-۲-۱- حق بزه دیده در تعقیب یا ترک تعقیب جرایم قابل گذشت
۲۷۶	۳-۲-۳-۲- حق جبران خسارت و ضرر و زیان بزه دیده
۲۸۰	نتیجه گیری
۲۸۴	پیشنهادها
۲۸۸	منابع و مأخذ
۳۰۶	چکیده انگلیسی

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ
که رستگاری جاوید در کم آزاریست

* * * *

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست.

حافظ

پیشگفتار

امروزه وسعت و دامنه انواع خشونت آنقدر گسترش یافته که نگرانی اکثر جوامع بشری را فراهم آورده است. جامعه ما نیز به تناسب با این پدیده دم افزون، چالشهای جدی دارد. بنابراین هر نوع مطالعه و تحقیق پیرامون خشونت، شناخت زوایای آشکار و پنهان و ریشه یابی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، دیوانی و جرم شناختی آن می تواند در بهبود امنیت همه جانبه و ترسیم چشم انداز آینده جامعه، بویژه در زمینه توسعه قضایی و تأمین معیارهای حقوق بشر، مؤثر و مثمر باشد.

اینجانب به تشویق و هدایت استادان محترم راهنما و مشاور موضوع رساله دوره دکتری خود را به بررسی جایگاه خشونت در حقوق کیفری اختصاص دادم و تلاش نمودم تا با بهره گیری از دانش اساتید و تجربه قضایی، حقوقی و دانشگاهی به نتایج سودمندی برسم.

نخستین مشکل فرا راه، به نقص و عدم جامعیت تعریف اصطلاحی و حقوقی خشونت مربوط است که بر اساس آن «خشونت» را تنها به اعمال قوه قهریه و زور فیزیکی محدود کرده است و بیان بسیاری دیگر از مصادیق متداول آن را که در جامعه مدرن و دیوانسالار امروز وجود دارد، مبهم گذارده است. این امر خود بنحو بارز از کارایی مطلوب نظام عدالت کیفری می کاهد. از سوی دیگر با بررسی موضوع خشونت و تبیین و تعیین حدود واقعی آن روشن می شود که برخی از مصادیق فرافیزیکی آن در ساختار نهادهای کیفری، دامن فرشته عدالت را آلوده است. خشونتی که اصطلاحاً خشونت

ساختاری^(۱) یا خشونت نهادی^(۲) نام دارد و بدون ابزارهای فیزیکی و قوای قهریه و تنها در سایه عدم رعایت اصول اساسی حقوق کیفری و حقوق شهروندی^(۳) و یا با سهل‌انگاری در مراحل قانونگذاری، قضایی و اجرایی اعمال می‌شود.

بدین روی در این تحقیق حقوقی - جرم شناختی ابتدا تعریف نسبتاً جامعی از خشونت ارائه کرده‌ایم تا مجموعه مصادیق آن - چه خشونت مجرمانه شهروندان و چه خشونت ساختاری نظام عدالت کیفری - را در برگیرد. سپس به بیان انواع خشونت و تعامل نوع ساختاری آن با حقوق کیفری پرداخته‌ایم. اما نهایتاً موضوع اصلی این رساله، نه کشف دلایل خشونت مجرمانه شهروندان، بلکه تشریح تحلیلی پدیده خشونت و نقد ساختار نظام عدالت کیفری موجود است. به عبارت دیگر تحلیل خشونتی است که در حقوق کیفری در مقام جرم‌انگاری و تعیین مجازات و شیوه اعمال و اجرای آن بروز می‌کند. بدین منظور تلاش کرده‌ایم با عنایت به موازین و اسناد حقوق بشر و رعایت اصول اساسی ماهوی و شکلی حقوق کیفری^(۴) به بیان نارساییهای موجود در ساختار نظام عدالت کیفری و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه پردازیم.

1- Structural Violence

2- Institutionalized Violence

۳- شهروند (Citizen) فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق مدنی و سیاسی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیفهایی به عهده دارد. این رابطه را شهروندی (Citizenship) گویند. اساساً کسی «شهروند» شمرده می‌شود که تنها فرمانگزار دولت نباشد، بلکه از «حقوق فطری» و «طبیعی» نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند. (داریوش، آشوری، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲ - ۲۲۱).

۴- حقوق کیفری به دو قسمت عمده حقوق ماهوی کیفری و حقوق شکلی کیفری تفکیک می‌گردد. مسایل راجع به جرم، مسئولیت، مجازات و اموری از این قبیل جزو حقوق ماهوی کیفری است و مسایل مربوط به روش رسیدگی و نحوه تعقیب متهمان و مانند آن جزو آئین دادرسی کیفری یا حقوق شکلی کیفری است. در حقیقت، موضوع این رساله، بررسی و تعیین جایگاه پدیده فراگیر و غیر واضح خشونت نهادی در هر دو بُعد ماهوی و شکلی حقوق کیفری است.

مقدمه

(بیان مسئله، سوالات، فرضیات و اهداف تحقیق)

انسان در طول قرن‌ها همواره با اشکال مختلف خشونت مواجه بوده است. طی سده‌های متمادی، طبیعت بی‌رحمانه تازیانه خشونت را بر پیکر بشریت وارد ساخته است و انسان برای گریز از خشونتِ طبیعت تلاش بسیاری نموده است. امروز در مقایسه با گذشته، انسان به موضع و امکاناتی دست یافته است که در برابر خشونتِ طبیعت آسیب پذیری کمتری دارد. اما چهره دیگر خشونت، خشونت انسان علیه انسان، علی‌رغم نفرت و گریز جوامع بشری در مسیر تاریخ از آن، نه تنها کاهش نیافته، بلکه فزونی هم یافته است و انسان‌های عاری از اصول انسانی، دینی و اخلاقی برای تأمین منافع و امیال نوعاً غیر عادلانه خود در سایه سوء استفاده از قدرت هر روز نسبت به روز قبل ابزارها و شیوه‌های نوین خشونت ورزی را ابداع نموده‌اند.

گذشت تاریخ و گسترش جوامع که موجب تمرکز قدرت شد، دگرگونی‌های دیگری را در اشکال خشونت در پی داشت. به این معنا که ابتدا تمرکز قدرت در دست شاهزادگانی اندک و نیرومندتر از سایرین بود و سپس با قبضه آن به وسیله دولت مدرن، شکل ثالث خشونت به منصفه ظهور رسید. دولت در درون دستگاه پلیسی - نظامی خود دارنده منحصر و مُجاز سلاح و محافظ زندگی مدنی و متولی استقرار نظم است و به این ترتیب اعمال خشونت در قالب قانون را تنها حق و تکلیف خود می‌داند.

چنان که دیده می‌شود امروزه گستره خشونت و عملکرد آن، در مقایسه با گذشته، بسیار

پیچیده تر شده است. بنابراین شیوه تفکر ما در باب خشونت نباید همچنان در قالب واژگان سابق باقی بماند، واژگانی که مبتنی بر تقابل مستقیم و آشکار افراد یا گروه‌های کوچک با یکدیگر است. البته چنین تقابلهایی هنوز در حیات اجتماعی و سیاسی عصر حاضر همچنان رخ می‌دهد ولی درصد خشونتهای ناشی از آن، اندک و کم اهمیت تر است و بخش عمده خشونتهای این عصر توسط دولت‌ها و نه افراد و گروه‌های مهاجم پدید می‌آید.

یکی از ابعاد این نوع خشونت رسمی که دارای جلوه‌های فراوان است و درک آن مطالعه جدی حقوق کیفری را می‌طلبد، در ساختار نظام عدالت کیفری هر کشور یافت می‌شود. این خشونت در هر دو بُعد ماهوی و شکلی حقوق کیفری تجلی می‌یابد و نوعاً تحت لوای مبارزه با بی‌نظمی و هنجارشکنی، در قالب جرم‌انگاری و تعیین مجازات و شیوه اعمال و اجرای آن بروز می‌کند. بسیاری از مصادیق این خشونت، پوشیده و پنهان است و تاکنون برای شناخت آن معیار دقیقی ارائه نگردیده است. برای درک تعامل این نوع خشونت با حقوق کیفری، تعیین و تبیین حدود واقعی آن در درجه نخست اهمیت است. این امر باید در قوانین و مقررات ماهوی و شکلی حقوق کیفری مورد بررسی قرار گیرد. در بُعد ماهوی، اصل قانونی بودن حقوق کیفری، اصل وحدت نهاد قانونگذاری، اصل کیفی بودن قانون، منع تورم قوانین کیفری و افراط در جرم‌انگاری و رابطه اینها با خشونت قابل مطالعه است. در بُعد شکلی نیز شناخت خشونت و جایگاه آن مستلزم بررسی اصل لزوم دادرسی کیفری و تعامل روشهای مختلف آن با خشونت و همچنین حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه و اصول ضامن آن در تعامل با خشونت است که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بنابراین با توجه به آثار منفی این خشونت بویژه در راه دستیابی به اهداف توسعه قضایی، عدالت و امنیت فردی و اجتماعی از یک سو، و ضرورت احترام و تأمین معیارهای حقوق بشر از سوی